

النظر الثالث : في اللواحق

فصل سوّم: ملحقات روزه

وفيه مسائل:

نُه مسئلة:

الأولى: المرض الذي يجب معه الإفطار ما يخاف به الزيادة بالصيام، ويبني في ذلك على ما يعلمه من نفسه أو يظنه لأمانة كقول الطبيب العارف، ولو صام مع تحقق الضرر متكلفاً قضاها.

اول: مرضى كه با وجود آن روزه بايد شكسته شود، مرضى است كه بيمار مى داند با ادامهدادن روزه مريضى اش شديدتر مى شود و در تشخيص آن، بنا را بر فهم خودش مى گذارد يا به علامتى كه او را به گمان معتبر برساند اعتماد مى كند، مانند گفته طيب دانا. اگر كسى خود را به سختى اندازد و روزه اى بگيرد كه برايش ضرر داشته باشد، بايد آن روزه را قضا كند.

الثانية: المسافر إذا اجتمعت فيه شرائط القصر وجب، ولو صام عالماً بوجوبه قضاها، وإن كان جاهلاً لم يقض.

دوم: اگر شرایط شكسته شدن نماز برای مسافر به وجود آید، واجب است روزه را افطار كند. اگر وجوب افطار روزه را بداند و با این حال روزه بگیرد، باید آن را قضا كند؛⁽¹⁾ ولی اگر حكم مسئلة را نداند قضا لازم نیست.

1- علاوه بر این كه باید قضا كند، كار حرامى نیز مرتكب شده است زیرا عمداً با حكم خدا مخالفت كرده كه این یا از روى سبك شمردن دین خدا و یا خلیفه اوست.

الثالثة: الشرائط المعتبرة في قصر الصلاة معتبرة في قصر الصيام، ويكفي خروجه قبل الزوال، وكل سفر يجب قصر الصلاة فيه يجب قصر الصيام.

سوم: تمام شرایط لازم برای شکسته شدن نماز، برای نگرفتن روزه نیز معتبر است و به همین اندازه کافی است که قبل از اذان ظهر از شهر خارج شود و هر سفری که در آن، شکستن نماز واجب است، افطار روزه نیز واجب است.

الرابعة: الذين يلزمهم إتمام الصلاة سفراً يلزمهم الصيام، وهم الذين سفرهم أكثر من حضرهم.

چهارم: آنان که باید در سفر نمازشان را کامل بخوانند باید روزه هم بگیرند، و آنها افراد کثیرالسفر هستند.⁽²⁾

الخامسة: لا يفطر المسافر حتى يخفى عليه آذان مصره، فلو أفطر قبل ذلك كان عليه مع القضاء الكفارة.

پنجم: مسافر نباید قبل از اینکه اذان شهرش از او پنهان شود افطار کند، و چنانچه قبل از آن افطار کند قضا و کفاره بر او واجب می شود.

السادسة: الهم والكبيرة وذو العتاش يفطرون في رمضان ويتصدقون عن كل يوم بمد من طعام، ثم إن أمكن القضاء وجب وإلا سقط. وإن عجز الشيخ والشيخة سقط التكفير، كما يسقط الصيام.

ششم: پیرمرد و پیرزن و آنان که مرض تشنگی غیرقابل تحمل دارند، ماه رمضان را افطار کرده، به جای هر روز یک مد طعام صدقه دهند، و اگر بعداً توانستند روزه بگیرند باید قضا کنند وگرنه روزه از آنها ساقط است. اگر پیرمرد و پیرزن به طور کامل از روزه گرفتن عاجز باشند کفاره نیز از آنها ساقط می شود، همان گونه که روزه از آنها ساقط شده است.

السابعة: الحامل المقرب، والمرضع القليلة اللبن يجوز لهما الإفطار في رمضان، وتقضيان مع الصدقة عن كل يوم بمد من طعام.

هفتم: زن بارداری که زایمانش نزدیک است و زن شیردهی که شیر کم دارد جایز است در ماه رمضان روزه خود را افطار کند و بعداً قضای آن را به جا آورد و به جای هر روز یک مد طعام صدقه بدهد.

الثامنة: من نام في رمضان واستمر نومه، فإن كان نوى الصيام فلا قضاء عليه وإن لم ينو فعله القضاء. والمجنون والمغمى عليه لا يجب على أحدهما القضاء، سواء عرض ذلك أياماً أو بعض أيام، وسواء سبقت منهما النية أو لم تسبق، وسواء عولج بما يفطر أو لم يعالج.

هشتم: کسی که در ماه رمضان بخوابد و خوابش ادامه داشته باشد،⁽³⁾ اگر نیت روزه کرده باشد لازم نیست قضا کند، ولی اگر نیت روزه نکرده بود باید قضا به جا آورد. بر دیوانه و بی هوش قضا واجب نیست، و فرقی ندارد که جنون یا بیهوشی اش چند روز طول بکشد یا قسمتی از یک روز، و فرقی ندارد در قبلش نیت کرده یا نکرده باشد، و نیز فرقی ندارد توسط آنچه با آن روزه شکسته می شود، معالجه شود یا معالجه نشود.

التاسعة: من يسوغ له الإفطار في شهر رمضان يكره له التلمي من الطعام والشراب، وكذا الجماع.

نهم: کسی که در ماه رمضان روزه نگرفتن برایش جایز است، بیش از اندازه خوردن و نوشیدن برایش مکروه است؛ و همچنین جماع نیز برایش مکروه است.

3- یعنی خوابیده و تا بعد از اذان ظهر روز بعد بیدار نشده باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص 58)

